**Improvisation: سوزن می شوم سوزناک در رگ پای خودم بالا میروم / سر شکسته تا قلبم میروم فرو تا بالایش میروم / که قلبم میشکند تا بریزد خونش تا بریزد خونش شور انگیز / اکنون دست میکنم در تو تا به در آرمت از میان دو بر گلو مانده عشق شور انگیز / من دست میکنم در تو شور انگیز / فواره ی پایم از فلک میگذرد که نمیدانم چیست / میخواهی اصلا از این شعر بگذرم تا قند حبه کنیم و بنوشیم شور انگیز / سر تا به پا عین طالبی، طالبی / همین که گفتم را هم پاره کنم اصلا زاج بجوم شاش بشوم کات بزنم همهی این نرمی ها را عین طالبی / فواره ی پایم از فلک گذشتن گرفت، بیا تا از صد ابر بگذریم و به صد دشت شقایق و زردشت حرف نزن بیا بقییه اش را بشنو نوووح میشوم کشتی ام را سوار شو با صد بلبل دیگر / بخوان درست و حرفت نباشد بیا با قی اش / میان باغ میشویم سپس دستت را بده حرفت نباشد / سوزن شده ام دیگر در پای خود فرو / سو ساتور شده ام بر دست تو / حرف نزن دستت را بده تا فرو شوم تا بالا، خونش را جمع کن / ساتور بوده ام همیشه که فواره دستم، از همان فلک می گذرد. (محسن نامجو)\*\*\***